

## مبانی خلاقیت و نوآوری در کلام رهبری

مقام معظم رهبری در چند سال اخیر طی سخنرانی‌های مختلف، همواره به موضوع تولید علم یا جنبش نرم‌افزاری تأکید نموده‌اند که نقطه عطف آن را می‌توان در پاسخ به نامه‌ای یافت که عده‌ای از فضلاء حوزه علمیه قم برای ایشان نوشته بودند. ایشان مدت‌هاست که بحث تمدن‌سازی اسلامی، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم را مطرح می‌کنند اما متأسفانه هنوز هم بسیاری کسانی که جنبش نرم‌افزاری را با تولید و توسعه نرم‌افزارهای رایانه‌ای اشتباه می‌گیرند. ایشان امسال با ابتکاری دیگر سال 87 را سال نوآوری و شکوفایی نامگذاری نمودند تا شاید مسئولان دستگاه‌های مختلف و اصحاب علم و تحقیق به ویژه جوانان، توقعات و انتظارات معظم‌له را در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره محقق سازند تا شاهد توسعه و پیشرفت همه‌جانبه در کشور باشیم.

رهبر فرزانه انقلاب در دیداری با دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها فرمودند: «ما به دلایل مشخص تاریخی از کاروان علم دنیا عقب افتاده‌ایم. این را نمی‌توانیم انکار کنیم، واقعیت‌ها پیش روی ماست و این در حالی است که توانایی عالم شدن، تولید علم کردن و مرزهای دانش را از آنچه هست فراتر بردن، در ملت ما و در میان ما کاملاً وجود داشته است. مسأله جنبش تولید علم - که بنده دو سه سال است در دانشگاه‌ها تکرار می‌کنم - ناظر به این قضیه است. تولید علم یعنی رفتن راه‌هایی که به نظر، راه‌های نارفته‌ای است؛ البته این بدان معنی نیست که ما راه‌هایی را که دیگران رفته‌اند، نرویم و به تجربه‌های دیگران بی‌اعتنایی کنیم؛ نه، بلکه بدین معناست که به فکر باشیم. در این دنیای عظیم و در این طبیعت بزرگ، ناشناخته‌های فراوانی است که دانش پیشرفته امروز هنوز بدان دست نیافته است. ناشناخته‌ها بسیار زیاد است؛ یعنی به گمان زیاد به مراتب، بیش‌تر از چیزهایی است که بشر تا به حال به آن‌ها دست یافته است.

باید دقت کنیم، فکر کنیم و به دنبال کشف ناشناخته‌ها باشیم. باید همان استعدادی را که گفته شد و بنده هم می‌دانم ایرانی و مغز و فکر ایرانی دارد، به کار بیندازیم. راه‌های میان‌بر را پیدا کنیم و از بدعت و نوآوری در وادی علم، بیمناک نباشیم. این حرکت و انگیزه باید در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی ما به صورت انگیزه‌ای عام، امری مقدس و یک عبادت تلقی شود، در همه بخش‌ها، در علوم انسانی و همه رشته‌های علوم باید به این صورت دربیاید. ما بایستی این جرأت را داشته باشیم که فکر کنیم می‌توانیم نوآوری کنیم؛ البته می‌شد در مقابل این حرف با نومی‌تمام گفت: چه کار کنیم که دیگران نکرده‌اند؟ کدام راه را برویم؟ اما من تصور می‌کنم که می‌شود این فکر و امید را در دل پروراند که می‌شود راه‌های نارفته را پیدا کرد. یک روز، بسیاری از چیزهایی که امروز دنیا و بشریت می‌شناسد، ناشناخته بود. کسانی جرأت کردند و این ناشناخته‌ها را شناختند، چه دلیلی دارد که ما نتوانیم راه ناشناخته دیگری را کشف کنیم؟»

همان‌گونه که پیداست از منظر ایشان تولید علم و جنبش نرم‌افزاری نیز یعنی نوآوری و شکوفایی در علم؛ آن هم در همه عرصه‌ها و بخش‌های مختلف به گونه‌ای که ما حرف‌هایی بزنیم و کارهایی انجام دهیم که دیگران نگفته‌اند و ندارند. پس در دهه چهارم انقلاب اسلامی نوآوری و شکوفایی، ضرورت اجتناب‌ناپذیر امروز ماست.

نوآوری و شکوفایی از موضوعات مهم روان‌شناسی است که امروزه در قالب ابتکار و خلاقیت به شدت مورد اقبال قرار گرفته است چرا که در جهان صنعتی امروز، خلاقیت و نوآوری یکی از تکنیک‌های مهم دستیابی به اکتشافات، اختراعات و پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، هنری و... تلقی می‌شود. از این رو پرورش و بروز این قریحه از سوی رهبر فرزانه انقلاب در سال 87 مورد تأکید قرار گرفته است.

### خلاقیت در قرآن

در قرآن مجید از جمله صفات خداوند متعال «خلاق» شمرده شده است. (حجر آیه 86، یس آیه 81) خداوند عالم اولین خلاق و نوآور جهان خلقت است و خلاقیت او تنوع و زیبایی شگرفی را در عالم بنا نهاده است. انسان نیز به عنوان کامل‌ترین و عالی‌ترین مخلوق و گزینه خلیفه الهی، تنها متفکر خلاق این جهان در بین همه مخلوقات محسوب می‌شود. در جهان کنونی بدون هیچ تردیدی به مدد قوه خلاقیت و نوآوری می‌توان به ساختن فرهنگ و تمدن، علم و تکنولوژی و صنعت دست یافت. آیه 86 سوره حجر (ان ربک هو الخلاق العظیم) اشاره به یک دستور تربیتی است که مربوط به تفاوت تفکر و استعدادها می‌باشد. خداوند می‌داند که همه مردم یکسان نیستند. او از اسرار درون و طبایع و میزان رشد فکری و احساسات مختلف انسان‌ها با خبر است. قرآن مجید در سوره یس آیه 81 روی دو صفت بزرگ خداوند یعنی خلاقیت و علم بی‌پایان او تکیه می‌کند که در حقیقت دلیلی است بر گفتار پیشین که اگر تردید شما از ناحیه قدرت او بر خلقت است، او خلاق است و اگر جمع و جور کردن این ذرات نیاز به علم و دانش دارد او از هر نظر عالم و آگاه است (... بلی و هو الخلاق العظیم)

بنابراین از این که در آیات قرآن دو صفت خلاقیت و علم در کنار یکدیگر آمده و خلاقیت بر علم مقدم شده است، می‌توان استنباط نمود که اولاً: «تقدیم «خلاق بر علیم» نشان‌دهنده اهمیت و عظمت خلاقیت و نوآوری است و ثانیاً: خلاقیت، مبتنی بر علم و دانش است و علم و آگاهی در ظهور و بروز خلاقیت نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند.

در تفسیر نمونه، ذیل آیه 21 سوره ذاریات (و فی انفسکم افلا تبصرون) آمده است: بدون شک انسان اعجوبه عالم هستی است و آنچه در عالم کبیر است در عالم صغیر نیز وجود دارد بلکه عجائبی در آن است که در هیچ جای جهان نیست. عجب این که این انسان با آن هوش و عقل و علم و این همه خلاقیت و ابتکارات و صنایع شگرف، روز نخست به صورت نطفه کوچک و بی‌ارزشی بوده و اما همین که در عالم رحم قرار می‌گیرد با سرعت عجیبی رو به تکامل می‌رود، روز به روز شکل عوض می‌کند و لحظه به لحظه دگرگون می‌شود و آن نطفه ناچیز در مدت کوتاهی به انسان کاملی تبدیل می‌گردد. نکته دیگر توجه به تفاوت‌های فردی بین انسان‌هاست که خداوند می‌فرماید: «و قد خلقکم

اطواراً» یعنی خداوند شما را به گونه‌های مختلف آفرید (نوح/14) مطابق این آیه انسان پیچیده‌ترین موجود هستی است که لحظه به لحظه در حال تغییر است. هر انسانی یک استثناء است. «هیچ‌کس به مانند من نیست.» همه می‌توانند این سخن را بگویند لذا زیربنای خلاقیت و نوآوری همین سخن است که کارخانه ذهن هیچ‌کس مانند تو نیست.

در فرهنگ لغات، خلاقیت به معنای ارائه یک فکر، رفتار و محصولی نو و یگانه تعریف شده است. البته خلاقیت گاهی پدید آوردن چیزی است که از قبل نبوده و گاهی به وجود آوردن چیزی از ترکیب یا تلفیق چیزهای دیگر است. این دو حالت را اصطلاحاً ابداع و خلق می‌گویند. ابداع یعنی به وجود آوردن چیزی یگانه بدون آن که آن چیز یا شیء از پیش موجود بوده باشد. خلق به معنای پدید آوردن چیزی از راه ترکیب و دستکاری چیزهایی دیگر است. برای مثال در تعبیر قرآنی پدید آمدن آسمان و زمین از مصادیق ابداع و پدید آوردن انسان‌ها از مصادیق خلق بر شمرده شده است. در صنعت امروز نیز ماشین‌حساب، موبایل و هواپیما از نمونه‌هایی هستند که به ترتیب با تغییر یا ترکیب چرتکه، بی‌سیم و تلفن و فیزیک پرندگان خلق شده‌اند. بنابراین در تعریف خلاقیت بر دو اصل بدیع (اختراعی بودن) و یگانگی (تازگی و نو بودن) تأکید شده است.

### هفت باور مهم در خلاقیت و نوآوری

برای تحقق و عینیت بخشیدن به فرمایش مقام معظم رهبری در خصوص نوآوری و شکوفایی باید دست کم 7 باور و اعتقاد را در وجود افراد زنده کرد تا به این موفقیت در همه عرصه‌ها دست یافت.

1. ایمان قوی به انجام کار و عدم اعتقاد به محدودیت‌ها: اعتقاد به محدودیت‌ها، انسان را محدود می‌کند. راه صحیح آن است که محدودیت‌ها را ناپییده انگاریم و با ایمان قوی و توان بیشتر به عمل برخیزیم. اگر به امکان انجام امری ایمان قوی داشته باشید، به ظن قوی به انجام آن موفق خواهید شد. هر حادثه‌ای دارای دلیل و مقصودی است که به مصلحت ماست. انسان‌های موفق و نوآور عقیده دارند که در بطن هر بدبختی و حادثه ناخوشایند، دانه‌ای است که روزی ثمر خواهد داد و منافع بسیار به بار خواهد آورد.

2. چیزی به نام شکست وجود ندارد: این باور تقریباً از باور قبلی نتیجه می‌شود و به همان اندازه مهم است. ذهن بسیاری از مردم به گونه‌ای است که غالباً از شکست می‌ترسند. افراد خلاق و نوآور شکست را نمی‌بینند و به آن اعتقاد ندارند و آن را به حساب نمی‌آورند. انسان‌های موفق کسانی نیستند که هرگز شکست نخورند، بلکه اگر نتیجه به دست آمده مورد انتظار آنها نباشد، از آن عبرت و درس می‌گیرند. آن‌گاه این آموخته‌ها را در راهی دیگر به کار می‌زنند. کارهای نو و تازه می‌کنند و نتایج تازه می‌گیرند. واقعیت آن است که توماس ادیسون «شکست را شکست و جهان را روشن کرد.» می‌گویند پس از 9999 بار سعی کرد که لامپ برق را اختراع کند و نتوانست، کسی از او پرسید: «خیال داری برای 10 هزارمین بار شکست بخوری؟ وی جواب داد: من شکست نخورده‌ام بلکه یک راه دیگر را کشف کرده‌ام که به اختراع لامپ برق منتهی نمی‌شود.» لذا وی کشف کرده بود که بعضی راه‌ها، به نتایجی دیگر منجر می‌گردند. پیروزمندان، رهبران، قدرتمندان و آنان که شخصاً نیرومندند، همه می‌دانند که هر گاه در کاری نتیجه دلخواه به دست نیامد، آن خود دستاوردی است. پس اعتقاد به شکست، از راه‌های مسموم‌کننده ذهن است و بزرگ‌ترین عامل جلوگیری از آدمی از خلاقیت و نوآوری، ترس از شکست است.

دکتر «رابرت شولر» که کارش تدریس شیوه‌های مثبت تفکر است، سؤال بزرگی را مطرح می‌سازد: «اگر می‌دانستید که در هیچ کاری شکست نمی‌خورید، چه می‌کردید؟ اگر واقعاً ایمان داشتید که هرگز شکست نمی‌خورید قطعاً یک رشته کارهای تازه را آغاز می‌کردید و به نتایج قوی و مطلوب تازه‌ای می‌رسیدید. بهتر نیست که اکنون هم همان کارها را بکنید؟ آیا این تنها راه رشد نیست؟» بنابراین راه رسیدن به نوآوری و شکوفایی این است که کلمه شکست را قلم گرفته، سعی کرد از هر تجربه‌ای نتیجه جدیدی آموخت.

3. مسئولیت هر اتفاقی را به گردن بگیرید: یکی از صفاتی که میان رهبران بزرگ و افراد موفق مشترک است این است که فکر می‌کنند دنیای خودشان را خودشان می‌سازند. قبول مسئولیت یکی از بهترین معیارهای توانایی و بلوغ شخص است؛ به علاوه این باور موجب پشتیبانی و تقویت باورهای دیگر می‌شود. اگر به شکست اعتقاد نداشته باشید و بدانید که حتماً به نتایج دلخواه خود می‌رسید، کافی است قبول مسئولیت کنید و بدانید که چیزی را از دست نمی‌دهید و همه چیز را به دست می‌آورید. آن‌ها که قبول مسئولیت کنند نیرومندند و آنان که از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند، رو به ضعف می‌روند. خداوند می‌فرماید: و لا تزر وازره وزر اخری (اسراء/15) و هیچ‌کس بار دیگری را به دوش نگیرد؛ یعنی هر کسی مسئولیت کارهای خودش اعم از افکار و رفتار و اعمال را به دوش دیگران نیندازد و خودش باید به گردن بگیرد.

4. برای بهره‌بردن از چیزی شناخت کامل آن لازم نیست: بسیاری از مردان موفق بر این عقیده‌اند برای این که چیزی را مورد استفاده قرار دهند، لزومی ندارد همه‌چیز را درباره آن بدانند. اگر کسانی را که در رأس قدرتند، مورد مطالعه قرار دهید متوجه می‌شوید که آن‌ها تا حدودی که کارشان ایجاب می‌کند، در زمینه‌های گوناگون اطلاعاتی دارند اما در همه زمینه‌ها متخصص نیستند و به کلیه جزئیات سازمان خود نیز آگاهی ندارند. از جمله اصل اسلامی «ما لا یدرک کله لا یتدرک کله» تقریباً همین معنا را می‌رساند. «آنتونی رابینز» در این زمینه تأکید می‌کند: اگر درباره نیروی برق از شما سؤال کنم معمولاً اطلاعات شما صفر یا در حد کمی است. معذک شما کلید برق را می‌زنید و چراغ روشن می‌شود. پس افراد موفق لزوماً از حیث علم و دانش سرآمد نیستند. می‌توان همه عمر را صرف مطالعه ریشه کرد و می‌توان طرز چیدن میوه را یاد گرفت. بنابراین افراد نوآور و خلاق در مصرف زمان خست نشان داده و هر موقعیتی را جهت بهره‌وری بیشتر می‌سنجند و در تشخیص دانستنی‌های ضروری و غیرضروری مهارت دارند.

5. بزرگ‌ترین سرمایه شما، دیگرانند: کسانی که به موفقیت‌های درخشانی دست یافته‌اند تقریباً بدون استثناء دارای حس قوی احترام و

تحسین نسبت به دیگرانند. درونمایه کتاب‌های جدید بازرگانی از «قبیل نوآوری و آغازگری»، «در جست‌وجوی بهروزی» و «مدیر یک دقیقه‌ای» این است که هیچ موفقیت‌پایداری بدون احساس صمیمیت و یگانگی با مردم به وجود نمی‌آید و راه موفقیت آن است که گروه موفق را تشکیل دهیم که بتوانند با یکدیگر همکاری کنند. در آیات قرآنی و روایات تأکید فراوان بر مشورت، تعاون و محبت با یکدیگر حاکی از آن است که باور به این مسأله و عمل نمودن به آن در شکوفایی و بالندگی استعدادها و نهفته انسان‌ها بسیار مؤثر و راه‌گشاست. «آنتونی رابینز» در این باره می‌گوید: افراد موفق، کسانی هستند که می‌دانند با چه زبانی از دیگران بپرسند «چگونه می‌شود این کار را بهتر انجام داد؟» یا «چطور می‌شود این عیب را رفع کرد؟» یا «چگونه ممکن است به نتایج بهتر رسید؟» آن‌ها می‌دانند که یک فرد هر قدر هم که باهوش باشد، مشکل است که به تنهایی بتواند با مجموع استعدادهای یک گروه کارآمد برابری نماید.

6. کار، نوعی تفریح است: یکی از کلیدهای موفقیت این است که پیوندی سازنده بین کارهایی که می‌کنیم و چیزهایی که دوست داریم به وجود آوریم. آیا کسی را می‌شناسید که با انجام کارهایی که از آن نفرت دارد به موفقیتی بزرگ نایل شده باشد؟ افراد موفق شغل و حرفه خود را جزء تفریحات خود می‌دانند و با این نگاه از کارشان لذت می‌برند و ضمن یادگیری مطالب تازه به نوآوری و کشف راه‌های جدید می‌پردازند. «رابینز» تأکید می‌کند: اگر فکر کنید که کار یعنی زحمت و مشقت محض و وسیله‌ای برای تأمین معاش خانواده، به احتمال زیاد چیزی بیش از آن هم گیرتان نخواهد آمد. بنابراین لازمه نوآوری و شکوفایی باور داشتن این مسأله مهم است که کار را نوعی تفریح بدانیم.

7. هیچ توفیق‌پایداری، بدون پشتکار به دست نمی‌آید: افراد موفق به نیروی پشتکار عقیده و ایمان دارند. اگر به افرادی که در هر زمینه موفق شده‌اند بنگرید می‌بینید که آنان لزوماً بهتر، باهوش‌تر، سریع‌تر و قوی‌تر از دیگران نبوده‌اند بلکه پشتکار و جدیت بیشتری داشته‌اند. قرآن مجید می‌فرماید: «و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعيه سوف یری ثم یجزیه الجزاء الاوفی» (نجم/41، 40، 39) «و این که برای آدمی جز سعی و کوشش او نخواهد بود و این که پاداش سعی و تلاش انسان به زودی دیده می‌شود، سپس در آخرت به او پاداش کافی خواهد رسید.» بر اساس این آیات سعی و تلاش و پشتکار انسان هم در دنیا و هم در آخرت به ثمر خواهد نشست. تو گویی خداوند می‌خواهد بفرماید تمام هویت انسان را سعی و تلاش او رقم می‌زند. این نکته از آیه «و من اراد الاخره و سعی لها سعیها و هو مؤمن» (اسراء/19) به خوبی فهمیده می‌شود که پشتکار آثار و برکات دنیوی و اخروی زیادی را در بر دارد.

#### مؤلفه‌های شخصیتی خلافت

در کتاب‌های مختلف پرورش خلافت، مؤلفه‌های شناختی، انگیزشی و شخصیتی خلافت مورد کاوش و بررسی قرار گرفته اما نظر به لزوم رعایت اختصار و ایجاز، در این مقاله فقط به مؤلفه‌های شخصیتی خلافت اشاره می‌گردد:

الف) اعتماد به نفس: تقریباً اکثر روان‌شناسان معتقدند اعتماد به نفس از ویژگی‌های برجسته شخصیت خلاق است. اعتماد به نفس توانایی‌ای است که به موجب آن قوای فرد تمرکز یافته و سازمان‌دهی می‌شود. زیرا اگر چنین نباشد خود پنداره فرد خلاق در اندک مدتی در مقابل سختی‌ها و ناملایمت‌های فردی و اجتماعی درهم خواهد شکست. اعتماد به نفس موجب می‌شود فرد خلاق از شهادت و جسارت کافی برخوردار شود.

ب) اراده مستقل: فرد خلاق و نوآور در حوزه اندیشه و رفتار معمولاً مستقل از دیگران عمل می‌کند. او خود را یک شخصیت صاحب شعور و تصمیم می‌داند. البته این بدان معنا نیست که فرد نسبت به نظریه‌ها و عقیده‌های دیگران کم اعتنا باشد بلکه او انتخاب کردن را حق مسلم خود می‌داند.

ج) پذیرش خطر: برآیند اراده مستقل و اعتماد به نفس، پذیرش یا استقبال از خطر است. ورود به بسیاری از موقعیت‌ها و مکان‌های ناشناخته و مبهم و طرح سؤالات و پرسش‌های حساسیت برانگیز مستلزم قبول همه پیامدهای ممکن است. در باور عمومی، افراد خلاق افرادی «کله شق» تصور می‌شوند. به اعتقاد آنان این افراد نسبت به کاری که می‌کنند، آگاهی کافی ندارند. البته موارد زیادی از شرح حال دانشمندان خلاق پزشک یا داروشناس گزارش شده که خود آن‌ها اولین تجربه کننده داروهای اکتشافی بوده‌اند. داروهایی که قدرت آسیب‌زندگی آن‌ها به بدن تا آن زمان نامعلوم بود و این عامل در حقیقت علاقه‌مندی آن‌ها را برای روشن شدن نتایج و حقایق و ناشناخته‌ها می‌رساند، که آن‌ها را وا می‌دارد چنین شجاعانه همه پیامدها و آسیب‌ها را به جان بخرند. به عبارتی افراد خلاق نسبت به خطرها و پیامدهای آن آگاهند ولی با این حال میزان پذیرش خطر در افراد خلاق از تفاوت‌های فردی تأثیر می‌پذیرد. به عنوان یک قاعده می‌توان گفت افراد خلاق و نوآور از یک ریسک خطر متوسط استقبال می‌کنند.

د) پذیرش تجربه: نقش تجربه در تحول خلاق شخصیت آدمی چنان مهم است که بسیاری از صاحب‌نظران نظیر (آماپیلی، گاردنر و...) طرفدار اصل تجربه در خلافت هستند. ضرب‌المثلی فارسی می‌گوید: سفر و کسب تجربه بر پختگی و فوam روان و شخصیت آدمی می‌افزاید.

تجربیات تلخ و شیرین می‌تواند افراد خلاق را در زمینه‌های بروز اندیشه‌های نو و ابتکاری یاری دهد. در زندگی روزمره کسانی که عادت کرده‌اند تا فقط یک چیز یا موضوع تکراری را چندین بار تجربه کنند، به یادگیری جدید و در نتیجه به رشد مطلوب دست نمی‌یابند.

ه) استقبال از ابهام: تفکر خلاق همیشه رو به سوی مجهول‌ها و ناشناخته‌ها دارد و از آنچه قبلاً معلوم شده فاصله می‌گیرد. شخص خلاق و مبتکر از این که همه‌چیز روشن و مشخص باشد، خشنود نیست و تمایل دارد به پرسش و پاسخ و جست‌وجوگری بپردازد. این گرایش حتی فرد خلاق را به سوی مکان‌ها و موضوعاتی می‌کشاند که دیگران کمتر به سراغ آن می‌روند.

و) کلنجار رفتن: برخی از صاحب‌نظران برجسته مثل (تورنس و آمابیلی) کلنجار رفتن را جزء مؤلفه‌های مهم شخصیتی خلاق برشمردند. این ویژگی، فرد خلاق را به نقطه‌ای می‌رساند که خود را اهل مبارزه و مباحثه می‌بیند. در حقیقت فرد خلاق نوعی مبارزه و تلاش فکری و رفتاری را آزمایش می‌کند. در شکل نخستین کلنجار رفتن، فرد خلاق با حریف یا کسی روبه‌رو است. بنابراین درباره موضوع یا چیزی بحث و مناظره می‌کند. او شانه به شانه حریف پیش می‌رود تا جایی که احساس کند به نتیجه قانع‌کننده‌ای رسیده است. در شکل دوم، فرد خلاق حریفی ندارد و در واقع خود او حریف محسوب می‌شود. در این موقعیت‌ها اگر او به موضوعی علاقه‌مند شود به زیر و رو کردن و سؤال پیچ کردن ذهن خود می‌پردازد و این فعالیت را آنقدر ادامه می‌دهد که یا نتیجه مشخص حاصل شود و یا از ادامه کار منصرف شود.

در پایان این بحث یادآوری می‌کنیم که مقام معظم رهبری در پیام خود، دو انتظار را مطرح نمودند: این که در همه بخش‌ها نوآوری به وجود آید. مسئولان دولتی در روش‌های اقتصادی، در روش‌های سیاسی و دیپلماسی، در پیشبرد کشور به سمت علم و تحقیق، در گسترش فرهنگ مطلوب و ارائه خدمات به همه قشرها به خصوص قشرهای محروم و مظلوم، در آبادانی کشور و ارتقای کارآیی دستگاه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی و... موظفند در کار خود و در عرصه فعالیت خود نوآوری کنند، به طوری که نوآوری فضای کشور را فرا گیرد.

دوم اینکه کارهایی که در سال‌های اخیر و حتی سال‌های گذشته انجام گرفته است، باید به شکوفایی برسد و نتایج خود را به تدریج به مردم نشان دهد و کام آن‌ها را شیرین کند. به هر حال اگر بتوانیم موارد مطرح شده در خصوص مبانی خلاقیت و نوآوری را در همه عرصه‌های مختلف به ویژه عرصه فرهنگ و ادب و هنر کشور نهادینه کنیم، شاید بتوانیم منویات و انتظارات رهبر فرزانه انقلاب را در بعد نوآوری و شکوفایی جامه عمل بپوشانیم. در این راستا سازمان تبلیغات اسلامی نیز می‌تواند در عرصه‌های مختلف فرهنگی و تبلیغی با تغییراتی در روش‌ها و شناسایی و پرورش نیروهای خلاق نقش بسزایی را در نوآوری و شکوفایی ایفا نماید.

منابع و مأخذ:

1. قرآن کریم.

2. به سوی کامیابی، آنتونی رابینز، ترجمه مهدی مجردزاده کرمانی، جلد 1 و 2، تهران، مؤسسه فرهنگی راه بین، 1383 (ه. ش)

3. تولیدعلم، نقد تکنولوژی و تمدن غربی، محسن عباسی، جلد 9، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، 1384 (ه. ش)

4. پرورش خلاقیت، علیرضا پیرخائفی، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بی‌تا.

5. چهار کلید طلایی تعلیم و تربیت، مصطفی پرورش، اصفهان، گلین، 1383، (ه. ش)

6. تفسیر نمونه، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دارالکتب الاسلامیه.